

اظهار نظر کارشناسی درباره:
«لایحه موافقتنامه استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران
و امارات متحده عربی»



مشخصات لایحه

دوره هشتم - سال سوم

شماره ثبت:

۴۵۳

شماره چاپ:

۱۱۶۸

تاریخ چاپ:

۱۳۸۹/۵/۳

مقدمه

یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های همکاری حقوقی - قضایی میان کشورها انعقاد معاهدات استرداد مجرمین است که در ایران قدمتی ۸۷ ساله دارد^۱ و تعداد نسبتاً زیادی از آنها تاکنون منعقد گردیده‌اند. این موافقتنامه‌ها در کنار قانون راجع به استرداد مجرمین که به شرط معامله متقابل اجرا می‌شود، چارچوب اصلی نظام حقوقی ایران را در این خصوص تشکیل می‌دهند. موافقتنامه پیش رو نیز یکی از انواع این موافقتنامه‌هاست که به نظر می‌رسد براساس الگوی نسبتاً ثابتی تنظیم می‌شوند. این موافقتنامه در کنار دستاوردهای مثبت آن خالی از ایراد و انتقاد نیست. اما به‌رحال داشتن همین موافقتنامه با کشوری که بسیاری از هموطنان ما در آنجا بسر می‌برند و روابط اقتصادی گسترده‌ای نیز بین طرفین وجود دارد، خود گامی مثبت ارزیابی می‌شود.

آثار لایحه

انعقاد چنین موافقتنامه‌ای می‌تواند بستر قانونی مناسبی که تا قبل از این می‌توانست بر مبنای اصول و قواعد کلی مورد پذیرش از جمله بر مبنای اصل معامله متقابل صورت می‌پذیرفت، فراهم آورد و سرعت استرداد مجرمان و محکومان را تسریع کند. یکی از موارد امتناع از استرداد تابعت کشور درخواست‌شونده است و کشورها می‌توانند از استرداد اتباع خود خودداری کنند، به‌نظر می‌رسد آنچه در این موافقتنامه در این خصوص مورد توجه قرار گرفته است، الزام به تعقیب در صورت امتناع از استرداد اتباع است، (استردادکن یا محاکمه‌کن) امری که به‌نظر می‌رسد با مقایسه میزان حضور اتباع ایران در امارات و امارات در ایران، بیشتر در راستای تأمین منافع کشور امارات است.^۲

نام دفتر:

مطالعات حقوقی

ارزیابی ماهوی

۱. ماده (۱) به موضوع تعهد به استرداد جهت تعقیب و اجرای حکم اشاره شده است. عبارت «اجرای حکم» در این ماده و مواد دیگری از جمله جزء «ح» از بند «۱» در ماده (۳) و یا در بند «۱» ماده (۱۳) به‌کار رفته است. با توجه به اینکه عبارت مزبور هم در امور کیفری و هم امور حقوقی به‌کار می‌رود، می‌تواند اختلاف در اجرای موافقتنامه را موجب شود. لذا پیشنهاد می‌شود در موارد مذکور به‌جای «اجرای حکم» از «اجرای مجازات» استفاده شود.

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۴۰۱۰۳۷۶

تاریخ انتشار:

۱۳۸۹/۵/۳۱

۱. در سال ۱۳۰۱ موافقتنامه استرداد مجرمین بین ایران و عراق منعقد شد.
۲. کشورها تلاش می‌کنند در انعقاد موافقتنامه استرداد مجرمین با کشوری مهاجرفرست به خود، تعهد محاکمه‌کن یا استردادکن را در خصوص اتباع کشور مقابل در موافقتنامه بگنجانند و در انعقاد موافقتنامه استرداد مجرمین با کشوری که مهاجران زیادی از آن کشور را پذیرفته است، از پذیرش چنین تعهدی خودداری نمایند. جالب است که در موافقتنامه استرداد مجرمین میان جمهوری اسلامی ایران و افغانستان، چنین تعهدی وجود ندارد و در این موافقتنامه این تعهد گنجانده شده است.

۲. در ماده (۳) از موارد امتناع از استرداد در بند «۱» به جرم سیاسی اشاره شده است که با توجه به عدم وجود تعریفی پذیرفته شده از آن در نظام قانونی جمهوری اسلامی ایران، ممکن است استناد به آن با موانع و ایراداتی مواجه شود و حتی تا زمانی که تعریفی از آن ارائه نشده است، برای جمهوری اسلامی ایران غیرقابل استفاده شود. از طرف دیگر لازم است بیان شود بر مبنای قانون چه کشوری باید جرم سیاسی شناخته شود که به نظر می‌رسد اصولاً باید بر مبنای قانون کشور درخواست‌شونده باشد.

۳. در بند «ب» ماده (۳) تعارض با حاکمیت، امنیت نظم عمومی یا اصول قانون اساسی طرف درخواست‌شونده مورد توجه قرار گرفته است، اصل چهار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بنیادی‌ترین اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و بر همین مبنا نیز می‌توان بیان داشت در صورتی که احراز شود قوانینی غیرمنطبق با موازین شرعی مبنای صدور حکم بوده و یا استرداد مجرمین مستلزم اثر دادن به احکامی باشد که برخلاف ضوابط اسلامی صادر شده است (ایراد شورای محترم نگهبان در موارد مشابه) دولت می‌تواند به این استناد از استرداد خودداری کند.

۴. در زیر بند «ز» از قسمت ۱ ماده (۳) در خصوص ارائه تضمین جهت رسیدگی مجدد در مواردی که حکم غیابی صادر شده باید در نظر داشت که چنانچه مهلت و خواهی سپری شده باشد چنین امری برخلاف مقررات آیین دادرسی کیفری داخلی می‌باشد. لذا لازم است قبل از پذیرش این تعهد، بررسی بیشتری در این خصوص صورت گیرد.

۵. در زیر بند «ب» از قسمت ۳ ماده (۳) یکی از مواردی که در چارچوب جرم سیاسی به حساب نمی‌آید جرائم تروریستی است که تعریف نشده است و تعریف پذیرفته شده‌ای در حقوق بین‌الملل نیز ندارد.

۶. در خصوص بند «و» ماده (۶) که مربوط به خصوصیات ظاهری شخص مورد تقاضاست لازم است در صورت امکان اضافه شود تا مجرای سوءاستفاده قرار نگیرد.

۷. در بند «۲» ماده (۶) واژه «مجاز» با توجه به عبارت «مقام ذیصلاح» در این بند به نظر زائد است و حذف شود.

۸. در بند «۱» ماده (۱۴) عبارت «توقیف سایر دارایی‌ها که می‌تواند به‌عنوان مدرک مورد استفاده قرار گیرد» کلی است و می‌تواند مورد سوءاستفاده واقع شود. لذا با توجه به اینکه توقیف منافع حاصل از جرم و ابزار جرم که در این ماده پیش‌بینی شده است کافی به نظر می‌رسد، پیشنهاد می‌شود عبارت «توقیف سایر دارایی‌ها که می‌تواند به‌عنوان مدرک مورد استفاده قرار گیرد» حذف شود.

۹. در بند «۱» ماده (۷) لازم است مدتی برای بررسی تقاضای استرداد مجرم در نظر گرفته شود و موجب نشود نقض تعهد در پرتو توجیه در حال بررسی بودن رنگ ببازد.

۱۰. در بند «۹» لازم است حداکثر مدتی برای بازداشت شخص مقرر گردد و مدت بازداشت برای بررسی استرداد مجرم بی‌قید و شرط نبوده و موجب تضییع حقوق افراد نشود.

نتیجه‌گیری

انعقاد چنین موافقتنامه‌ای، آن هم با کشوری که فعالیت اقتصادی گسترده‌ای با جمهوری اسلامی ایران دارد و بسیاری از اتباع ایران در آن کشور بسر می‌برند بسیار مهم بوده و می‌تواند بسیار اثرگذار باشد و از جهت تقویت روابط دوجانبه نیز بسیار مؤثر است، اما باید ایرادات آن دیده و برطرف شود. ضمن آنکه مجدداً تأکید می‌گردد که درج اصل محاکمه‌کن یا استردادکن در موافقتنامه با توجه به موارد پیش‌گفته در جهت تأمین منافع کشور امارات است و لازم است در پذیرفتن این تعهد دقت بیشتری صورت گیرد چه آنکه در موردی مشابه (موافقتنامه استرداد مجرمان با افغانستان) که درج این شرط به نفع جمهوری اسلامی ایران بود از درج آن در موافقتنامه خودداری شده است. با توجه به اهمیت موضوع از آنجا که اصل محاکمه‌کن یا استردادکن منطبق با منافع کشور امارات است و نه ایران تأکید می‌شود این بخش از موافقتنامه مورد پذیرش قرار نگیرد.